

ORIGINAL ARTICLE

Functions of the National Association of Anzali in the Constitutional Era (from Moharam to Shaban, 1325)

Mohammad Hasan moradi^{1*}, Azam Esmaeilzadeh²

¹ Assistant Professor in History
Payam Nour university, Tehran,
Iran.

² Assistant Professor in History
Payam Nour university, Tehran,
Iran.

Correspondence

Mohammad Hasan moradi
Email: M-moradi@pnu.ac.ir

ABSTRACT

In the Constitutional Era, many associations were established all over Iran, especially in Guilan's cities such as Rasht, Anzali, Lahijan, and Astara. The Formation of these associations, like other organizations and NGOs, was to establish a new arrangement and pay attention to the role of people in social and political affairs with a focus on constitutionalism and settlement of law and freedom. The Anzali National Association was established in a small port on the shores of the Caspian Sea, a city that played a role in becoming familiar with the West. The special geographical location of Anzali Harbor further increased the activity of the Anzali National Association. Despite of important and various roles of this association, no independent research has been done about that. So With emphasis on basic role of the association, this research tries to answer to following question: What were the functions of the Anzali National Association? This association performed various functions in the political, social, economic, and public welfare fields. Explaining and studying this issue is achieved based on historical data provided through newspapers and books in the descriptive-analytical library method.

Research findings show that the National association of Anzali with the support of people and other associations, not only defended constitutionalism and its institutions but also attended to many economic and social issues based on peoples' request and achieved some success.

KEYWORDS

Guilan, Bandar Anzali, Association, People, Public Benefit Affairs, Constitutionalism.

How to cite

Panji, A., Ismaili, A., & Sohrabi, S. M. (2022). Functions of the National Association of Anzali in the Constitutional Era (from Moharam to Shaban, 1325). *Iran Local Histories*, 11(1), 1-14.

نشریه علمی

تاریخ‌های محلی ایران

«مقاله پژوهشی»

کارکردهای انجمن ملی انزلی در عصر مشروطه (از محرم سال ۱۳۲۵ تا شعبان ۱۳۲۵ قمری)

محمد حسن مرادی^{۱*}، اعظم اسماعیل زاده^۲

چکیده

در عصر مشروطه شمار فراوانی انجمن در سراسر ایران و از جمله در شهرهای گیلان؛ مانند رشت، انزلی، لاهیجان و آستارا تشکیل شدند. شکل‌گیری انجمن‌ها؛ همانند دیگر نهادها و سازمان‌های مردمی، تلاش برای استقرار نظم جدید و اهمیت دادن به نقش و جایگاه مردم در عرصه سیاست و امور اجتماعی با هدف مشروطه‌خواهی و حاکمیت بخشیدن به قانون و آزادی بود. انجمن ملی انزلی در بندر کوچکی بر کنار سواحل دریای خزر تاسیس شد، شهری که در آشنایی ایرانیان با غرب سهیم بود. موقعیت خاص جغرافیایی بندرانزلی بر فعالیت و تحرک انجمن ملی انزلی هر چه بیشتر افزود. با وجود نقش‌های متعدد و مهمی که این انجمن ایفا نمود، اما تاکنون پژوهشی مستقل درباره آن صورت نگرفته است. بنابراین پژوهش حاضر با محور قرار دادن انجمن ملی انزلی درصدد پاسخ به این پرسش است که انجمن ملی انزلی چه کارکردهایی داشت؟ این انجمن کارکردهای مختلفی را در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امور عام‌المنفعه به اجرا گذاشت. تبیین و بررسی مسأله مزبور بر پایه داده‌های تاریخی که از خلال اوراق روزنامه‌ها و کتب به روش کتابخانه‌ای فراهم آمد، با عنایت به رویکرد توصیفی - تحلیلی هدف پژوهش حاضر است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، انجمن ملی انزلی با یاری و همراهی مردم و دیگر انجمن‌ها، نه تنها از مشروطه‌خواهی و نهادهای آن دفاع نمود بلکه با توجه به درخواست‌های مردمی ترتیب و ساماندهی امورات مختلف اجتماعی و اقتصادی را وجه همت خود قرار داد؛ و به توفیقاتی هم نائل شدند.

واژه‌های کلیدی

گیلان، بندر انزلی، انجمن، امور عام‌المنفعه، مشروطه‌خواهی.

^۱ استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
^۲ استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

محمد حسن مرادی

رایانامه: M-moradi@pnu.ac.ir

استاد به این مقاله:

مرادی، محمد حسن و اسماعیل‌زاده، اعظم (۱۴۰۱). کارکردهای انجمن ملی انزلی در عصر مشروطه (از محرم سال ۱۳۲۵ تا شعبان ۱۳۲۵ قمری). فصلنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۱(۱)، ۱-۱۴.

۱. مقدمه

هم‌زمان با تشکیل انجمن‌ها در سراسر ایران، در گیلان نیز که دروازه ورود اندیشه‌های نو از طریق قفقاز و اروپا و یکی از کانون‌های اصلی انقلاب مشروطه بود، انجمن‌های فراوانی تشکیل شد. این انجمن‌ها را می‌توان به دو دسته کلی؛ انجمن‌های رسمی و انجمن‌های غیررسمی تقسیم‌بندی نمود.^۲ رسمیت یافتن انجمن‌ها و خاستگاه مردمی آن‌ها حیطة فعالیت آن‌ها را گسترده می‌ساخت. بنابراین هریک از این انجمن‌ها دارای کارکردهای مختلف و متنوعی بودند.

یکی از ولایات گیلان که در آن انجمن‌های مختلف تأسیس شد، بندر انزلی بود. انجمن ملی انزلی از زمان شکل‌گیری با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی بندرانزلی و حیطة گسترده قدرت انجمن‌های ملی، کارکردهای مختلف؛ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امور عام‌المنفعه در جهت رفاه مردم و همراهی با آنان از خود برجای گذاشت. بنابراین آگاهی یافتن و شناخت کارکردهای مزبور جهت روشن شدن بخشی از فعالیت‌ها و تلاش‌های مردم این خطه از سرزمین ایران اهمیت دارد. تحقیق حاضر در صدد پاسخ به این سوال است که انجمن ملی انزلی در عصر مشروطه چه کارکردهایی داشت؟ برپایه داده‌های تاریخی موجود در مآخذ، مطبوعات و منابع مطالعاتی و با تمام تنگناها و سختی‌هایی که پرداختن به این قبیل موضوع‌ها دارد؛ و به‌خصوص با صرف وقت زیاد، تلاش شد تا کارکردهای مختلف انجمن ملی انزلی مورد شناسایی و تحلیل قرار گیرد. مردم انزلی به سهم خود کوشش نمودند تا سیاست و مشی حکومت را تغییر دهند. آنان در پیگیری حقوق خود با چانه‌زنی و مذاکره حکومت را به چالش می‌کشیدند.

۲. پیشینه تحقیق

هرچند درخصوص انجمن‌های عصر مشروطه کارهای ارزشمندی در قالب کتاب و مقاله صورت گرفته است اما تاکنون درخصوص انجمن ملی انزلی، پژوهشی مستقل انجام نشده است. خرابی (۱۳۸۵) در کتاب «انجمن‌های ایران در عصر مشروطه» با تکیه بر انجمن‌های پایتخت، به بررسی انجمن‌های عصر مشروطه پرداخته است. یوسفدهی (۱۳۸۷) نیز در کتاب «انجمن‌های گیلان در عصر مشروطه» به معرفی و دسته‌بندی انجمن‌ها پرداخته است. اتحادیه (۱۳۸۱) نیز در بخش یکم کتاب «پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت دوره یکم و دوم مجلس شورای ملی» به‌طور کلی درباره شکل‌گیری و فعالیت انجمن‌ها نوشته است.

در ایران قرن سیزدهم و دهه‌های آغازین قرن چهاردهم هجری قمری متأثر از دنیای غرب عده‌ای از نواندیشان خواستار اصلاحات شدند. از جمله ایده‌های اصلاحی آنان نقشه‌هایی برای بهبود ساختار حکومت بود. نظریه‌ی دولت مطلقه منظم، الگویی بود که در این زمان مطرح شد تا امورات براساس قانون سامان پذیرد. کم‌کم فکر اصلاحات در میان اقشار مختلف مردم و طبقات گوناگون ریشه دوانید. آزادی‌های نسبی در زمان حکومت مظفردالدین‌شاه موجب پیدایش انجمن‌های مخفی شد. هدف آن‌ها اصلاحات و محدودکردن قدرت سلطنت خودکامه بود. با صدور فرمان مشروطیت و درپی آن تأسیس نهادها و ارگان‌های مردمی همچون؛ مجلس، قانون اساسی، انجمن‌ها و مطبوعات آزاد که گامی بزرگ برای جامعه استبدادزده ایران تلقی می‌شدند، برخی از اعضای انجمن‌ها به مجلس راه یافتند. انجمن‌ها نه‌تنها در تهران بلکه به‌سرعت در سراسر کشور گسترش یافتند.^۱ گستردگی انجمن‌ها نشان از روحیه آزادی‌خواهی مردم بود؛ مردمی که سال‌ها حکومت استبدادی بر آن‌ها سیطره داشت و آنان به‌عنوان رعیت شاه می‌بایست فرامین شاهانه را هرچند غیرمنصفانه و ناعادلانه اجرا می‌کردند. با رخداد بزرگ انقلاب مشروطه مردم پای در میدان گذاشتند تا نقش خود را در صحنه مبارزات سیاسی و اجتماعی ایفا کنند. در این انجمن‌ها افراد زیادی از طبقات مختلف مردم جهت دفاع از مشروطه و مجلس عضویت داشتند. فعالیت جمعی و گروهی مردم در انجمن‌ها موجب آگاهی و توجه هرچه بیشتر آنان از حقوق مدنی‌شان شد.

۱. در منابع، درباره گستردگی انجمن‌ها آمار مختلفی ذکر شده است. کسروی می‌نویسد که تنها در تهران هم‌زمان با صدور فرمان مشروطه، ۴۰ انجمن حضور داشت (کسروی، ۱۳۸۳: ۴۱۲)؛ و حدود یک‌سال بعد آقا میرزا سید محمد مجتهد، از نمایندگان مجلس اول، تعداد آن‌ها را ۷۰ انجمن ذکر می‌کند (روزنامه مجلس، ۱۵ رجب ۱۳۲۵: ش ۱۶۴) و هدایت از ۱۳۰ انجمن تهران سخن به میان آورده است (هدایت، ۱۳۸۵: ۱۵۹). ایوانف نیز بیان می‌کند که فقط در تهران ۱۴۰ انجمن وجود داشت (ایوانف، ۱۳۵۴: ۳۸). تقی‌زاده تعداد انجمن‌ها را در دوره اوج فعالیت آن‌ها ۱۴۴ نوشته است (تقی‌زاده، ۱۳۳۸: ۴۴). مجدالاسلام کرمانی می‌نویسد؛ که نه‌تنها در هر کوجه تهران چندین انجمن دایر شد بلکه تشکیل انجمن‌ها سواى شهرها به روستاها هم سرایت کرد (مجدالاسلام کرمانی، ۲۵۳۶: ۴۲، ۵۲). روزنامه جبل‌المتین گزارش می‌دهد؛ تا حدود یک‌سال و نیم بعد از اعلان مشروطیت در سراسر ایران و نقاطی که ایرانیان در آن به سر می‌برند، بیش از ۱۰۰۰ انجمن تأسیس گردید (جبل‌المتین، ۱ محرم ۱۳۲۶: ش ۲۲۲). گستردگی تعداد آن‌ها را اصل بیست‌ویکم متمم قانون اساسی به رسمیت می‌شناخت، براساس این اصل: «انجمن‌ها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل به نظم نباشند، در تمام مملکت آزاد است و...» (متمم قانون اساسی به نقل از حقار، ۱۳۸۳: ۵۴۱).

۲. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. (خرابی، ۱۳۷۹: ۶۷).

رشت برای اصلاح دو انجمن مزبور به انزلی آمدند. آنان طرفین را باهم آشتی دادند. هر دو انجمن را منحل کردند؛ و دوباره از وکیلان هر دو انجمن یک انجمن ملی تشکیل دادند. در این انجمن به نظر می‌رسد؛ «تمام اعیان و تجار و علماء» همراهی داشته‌اند (روزنامه مجلس، ۱۹ صفر ۱۳۲۵؛ ش ۶۵؛ روزنامه ایران سلطانی، ۱۳ صفر ۱۳۲۵؛ ش ۱؛ روزنامه انجمن تبریز، ۲۰ و ۲۲ صفر ۱۳۲۵؛ شماره‌های ۶۲ و ۶۳؛ یوسف‌دهی، ۱۳۸۷: ۳۳).

اعضای انجمن ملی انزلی عبارت بودند از: ملک‌التجار، مشهدی جبار، شرف‌الملک، حاجی آقا رضازاده، ابوالقاسم‌خان‌امام‌جمعه، وکیل‌الرعا، حاجی محمدتقی، حاجی میرمحمد شفیع، حاجی میرعلی‌نقی، اصلان، عیسی (سیگارچی)، ملایحی، رفیع خرازی، مشهدی غلامعلی و مشهدی ابوالقاسم (فخرایی، ۱۳۵۶: ۱۱۴). پنج تن از اعضای انجمن سری انزلی نیز عضو انجمن ملی انزلی و در زمره گردانندگان آن درآمدند (یزدانی، ۱۳۹۲: ۱۵۷).

انجمن ملی انزلی عمر درازی نداشت. با تصویب نظام‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، گیلان - علی‌رغم مخالفت‌هایی که از سوی گروه‌های مختلف صورت گرفت و بعد از مذاکرات بسیار مجلس درخصوص ایالت یا ولایت بودن - با رای‌گیری که در تاریخ ۱۴ رجب ۱۳۲۵ در مجلس انجام شد گیلان با ۷۱ رأی موافق، ۶ رأی مخالف و دو رأی ممتنع ولایت اعلام شد (روزنامه مجلس، ۱۳۲۵: ش ۱۶۵). بنابراین در گیلان تنها انجمن ولایتی مجوز فعالیت داشت و به‌جای انجمن‌های ملی، انجمن‌های بلدیة تشکیل شد. انتخابات انجمن بلدیة انزلی در شعبان ۱۳۲۵ رخ داد و قرار شد که انجمن ملی منحل شود. انجمن ملی انزلی که از قدرت چانه‌زنی بالایی برخوردار بود بر ادامه فعالیت اصرار داشت. به‌نظر می‌رسد اقداماتی که از انجمن ملی انزلی در سال ۱۳۲۵ (از ماه محرم تا شعبان) به ظهور رسید، باعث شد تا در محرم سال ۱۳۲۸ بار دیگر صحبت از تشکیل انجمن ملی به میان آید.

آبادیان (۱۳۹۰) در بخشی از فصل سوم جلد اول کتاب «بحران مشروطیت در ایران» از «شهر آشوبی» انجمن‌ها صحبت به میان آورده است. یزدانی (۱۳۹۲) کتاب «اجتماعیون عامیون» را نگاشت و آجودانی (۱۳۸۲) نیز بخش نوزدهم کتاب «مشروطه ایرانی» خود را به «اجتماعیون عامیون» اختصاص داده است. راثین (۱۳۳۵) نیز کتاب «انجمن‌های سری در انقلاب مشروطیت» را نوشت؛ که بخش عمده این اثر ترجمه و نشر مجدد «انجمن‌های سری و انقلاب مشروطیت ایران» اثر پروفیسور لمبتن است. مقالات چندی نیز درخصوص نقش انجمن‌ها در عصر مشروطه در مجلات مختلف منتشر شده است؛ نقش انجمن‌ها در انقلاب مشروطیت از خرابی (۱۳۷۹)، انجمن‌های ملی در عصر مشروطیت ایران از یزدانی (۱۳۷۹)، نقش‌های بهداشتی انجمن‌ها و روزنامه‌های گیلان عصر مشروطه از مرادی و همکاران (۱۳۹۷)، کارکردهای بهداشتی انجمن بلدیة گیلان در عصر مشروطه (با تکیه بر انجمن بلدیة رشت) از اسماعیل‌زاده و مرادی (۱۳۹۸)، کارکرد امنیتی و انتظامی انجمن‌های رسمی گیلان در عصر مشروطه از اسماعیل‌زاده و همکاران (۱۳۹۵)، نقش و کارکرد انجمن‌ها در مشروطه اول از خدزی‌زاده (۱۳۸۶) حکومت مشروطه و شکل‌گیری مدیریت جدید شهری در انزلی از بی‌طرفان (۱۳۹۲). هرچند در برخی از مقالات به انجمن ملی انزلی اشاره شده است اما به‌طور مستقل کارکردهای این انجمن مورد پژوهش قرار نگرفته است. پژوهش بی‌طرفان هم با تکیه بر تک‌سندی از انجمن بلدی انزلی مبنی بر اعزام معلم فرانسه برای مدرسه محمدیه بندر انزلی سامان یافته است و به اقدامات انجمن ملی انزلی اشاره‌ای ندارد به‌خصوص با توجه به اینکه برخی از کارکردهای انجمن بلدیة توسط انجمن ملی آغاز شده بود.

۳. معرفی انجمن ملی انزلی

انجمن ملی انزلی همچون انجمن ملی رشت در زمستان سال ۱۲۸۵ ش. / اوایل سال ۱۳۲۵ ق. تشکیل شد و خیلی زود با اعتراض جمعی از «علماء اعیان و تجار» مواجه شد. آنان در ابتدا از روی مصلحت‌اندیشی و ترس با انجمن ملی انزلی همراهی نداشتند؛ ولی وقتی که سپهدار با انجمن همراهی کرد و نفوذ و قدرت این نهاد نوپای مشروطیت هرچه بیشتر نمایان شد، خواستار عضویت در انجمن ملی شدند. درخواست آنان با مخالفت مردم مواجه شد، بنابراین آنان انجمن جداگانه‌ای به‌نام «سنا» تشکیل دادند. در بیست‌وپنجم محرم سال ۱۳۲۵ کمیسیونی از انجمن ملی

۴. کارکردهای سیاسی انجمن ملی انزلی

نهادهای مردمی در روند تحول سیاسی در انتقال از حکومت‌های استبدادی به شکل‌های دموکراتیک^۱ نقش اساسی دارند. انجمن‌های ملی مولود مشروطه نیز از نهادهای مردمی بودند؛ که در استقرار و استحکام‌بخشیدن به پایه‌های قدرت مشروطه نقش بارزی ایفا کردند. از این‌رو، کارکردهای انجمن ملی انزلی در این راستا قابل تبیین است. انجمن ملی انزلی تلاش کرد تا با بسیج

تلاش برای جلوگیری از ورود امین‌السلطان به بندر انزلی با رهبری انجمن ملی انزلی سازمان یافت (شاکری، ۱۳۸۴: ۱۵۰). انجمن ملی انزلی در کنار مجاهدین انزلی از ورود امین‌السلطان (فوت ۲۱ رجب ۱۳۲۵) به انزلی ممانعت کردند و تنها زمانی به او اجازه ورود دادند که مجوز آن از مجلس شورای ملی صادر شد؛ «تلگراف از انجمن به تهران مخابره شد، و کیلان تبریز پای تلگراف حاضر و به رمز و نشانه گفتند در ورود آزاد است. همچنین حجج اسلام در تلگرافخانه حاضر شده به علما انزلی خبر دادند باید امین‌السلطان بیاید» (روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۵: ش ۱۸). چون طرفداران او نفوذ داشتند، مجلس به ورود او رای داد (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ج ۲/۱۲۰). امین‌السلطان که از دوری چهارساله خود از خانواده می‌گفت و خیلی اظهار وطن‌پرستی می‌کرد، روز هفتم او را به ساحل آوردند (روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۵: ش ۱۸). انجمن ملی انزلی نیز جهت جلوگیری از اغتشاش همان‌گونه که از مجلس شورای ملی تلگراف شده بود، کوشید (کسروی، ۱۳۸۳: ۲۵۴؛ فخرایی، ۱۳۵۶: ۶۷-۶۶). به نظر می‌رسید امین‌السلطان «در ظاهر اظهار وطن‌پرستی» می‌کرد و «حب ریاست» داشت (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ج ۲، ۱۲۰)، از این‌رو اهالی انزلی از امین‌السلطان خواستند که سندی بدهد که مشروطه را قبول دارد، او در جواب گفت: «من هم یکی از افراد ایرانیانم، هر قانونی که در مملکت وضع شود البته درباره من هم نافذ خواهد بود» (رابینو، ۱۳۶۸: ۸). بنابراین تنها زمانی اجازه پیاده‌شدن به وی دادند که به مشروطیت سوگند وفاداری خورد (براون، ۱۳۸۰: ۱۴۴). امین‌السلطان، نزد مردم مقبولیتی نداشت و مشروطه‌خواهان و تندروها نسبت به او بی‌اعتماد بودند (همایون کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۷۸). حساس‌بودن به مشروطه‌خواهی امین‌السلطان جهت حفاظت از نظام نوپای مشروطه بود. تاریخ ایران و تجربه نظام استبدادی به آنان درس بزرگی داده بود؛ که اگر قدرت به‌درستی مهار نشود عواقب ناگواری در پی خواهد داشت. مشروطیت‌داری مشترک آحاد جامعه بود که باید در خدمت بقا و ارتقای زندگی اجتماعی قرار می‌گرفت. انجمن ملی انزلی در این خصوص نقش فعال و ماندگاری ایفا نمود. خطابه مجاهدین انزلی طی مکتوبی از انزلی به روزنامه خورشید مشهد گزارش شد؛ در این خطابه مجاهدین امین‌السلطان را «بیسمارک ثانی والی سوسیالیست ایران» خواندند و ابراز امیدواری کردند امین‌السلطان که در مدت اقامت خود در اروپا تجربه کسب کرده بود به‌عنوان «حکیم حاذق» برای «مادر وطن» که «علیل و بیمار» بود، چاره‌ای کند (روزنامه

مردمی توجه طبقه‌های حاکم را به اراده مردم در امور سیاسی جلب کند و از این طریق دغدغه‌مندی آن‌ها را ابراز کند. مشروطه‌خواهان هرچند پیروزی‌هایی به‌دست آورده بودند، اما هنوز اساس مشروطه را تحکیم و تضمین نکرده بودند (آبراهامیان، ۱۳۹۴: ۴۶). اقدامات سیاسی انجمن ملی انزلی دوشادوش مشروطه‌خواهان رشت پیش می‌رفت. آنان اتمام قانون اساسی و نظام‌نامه انجمن ایالتی و ولایتی را خواستار بودند، تا قدرت سیاسی بیشتر در خدمت مردم قرار گیرد و حقوق و آزادی‌های مدنی‌شان تضمین شود. بنابراین همچون اهالی رشت تمام دکاکین خود را از روز چهارشنبه ۱۹ ربیع‌الاول تا روز ۲۳ ربیع‌الاول بستند. آنان تعطیل عمومی اعلام نمودند و در تلگراف خانه جمع شدند. به گزارش روزنامه تمدن این حرکت و هیجان «این دفعه در رشت و انزلی و اطراف به‌طوری غیورانه بود که عموماً از جان دل حاضر بودند به این مقصود خود نائل و یا سر و جان را فدای این مشروع مقدس نمایند» (تمدن، ۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۱۶). عموم مردم انزلی از اعیان، اشراف، علما و مردم حوالی انزلی، به انزلی آمدند و در تلگرافخانه متحصن شدند. شاگردان مدارس و مکاتب نیز در این تحصن شرکت کردند و خطابه‌های مفصل قرائت کردند (حبل‌المتین یومیه، ۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۱۶). آنان به امید رهایی از بی‌عدالتی‌ها و در جهت دستیابی به زندگی بهتر در شرایط سخت معیشتی دست از کار کشیدند تا تحت رهبری انجمن ملی از مشروطه حمایت کنند. انجمن ملی انزلی که با قانون‌های دیگر مشروطه‌خواهی همکاری داشت به انجمن مقدس ملی تبریز طی تلگرافی اطلاع داد؛ که خبر تعطیلی آذربایجان از رشت به جهت «خواستن قانون اساسی» به آنان نیز رسیده است. انجمن ملی انزلی گزارش داد؛ که اهالی انزلی نیز «با جان و مال» همراهی کرده‌اند و به مجلس شورای ملی تلگراف مخابره کرده‌اند. آنان همچنین از انجمن ملی تبریز استدعا کردند که هرگونه همراهی که لازم است، دستور دهند (روزنامه انجمن تبریز، ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۸۶). تلاش‌های آنان بی‌اثر نماند زیرا از تهران به رشت و سپس از رشت به انزلی طی تلگرافی اطلاع دادند که نظام‌نامه تمام و در چندروز آینده به امضای شاه می‌رسد و سپس ارسال خواهد شد. بدین ترتیب مردم رشت و انزلی مشغول کار و منتظر نتیجه بودند (تمدن، ۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۱۶). حضور فعال قشرهای مختلف مردم به‌خصوص فرودستان در صحنه مبارزه اجتماعی و سیاسی نشان می‌دهد، که جنبش مشروطه‌خواهی در گیلان دارای پایه‌های مردمی مستحکمی بود.

به تهران حمل نشود. اهالی انزلی با جسارت درب گمرک انزلی را بستند (رایینو، ۱۳۶۸: ۱۰)؛ و به حکم انجمن ملی انزلی اسلحه و تجهیزاتاتی که برای دولت وارد کرده بودند، ضبط و توقیف نمودند (بشیری، ۱۳۶۳: ج ۱/۴۳). مردم انزلی در خروج نوز بلژیکی نیز، تنها با کسب اجازه از مجلس به او اجازه سوارشدن بر کشتی برای ترک ایران را دادند (بشیری، ۱۳۶۳: ج ۱/۵۳).

از اقدامات دیگر انجمن ملی انزلی جهت مبارزه با استبداد؛ گسترش انقلاب مشروطه و نهادهای آن و رسیدگی به امور مردم، برقرار کردن انجمن در دیگر نواحی گیلان بود. انجمن ملی انزلی که حمایت مردم از مشروطه و اهداف آن را مشاهده می‌نمود، بنا به خواهش اهالی کرگان‌رود و آلالان دو انجمن در آن نواحی تشکیل داد. هدف اصلی مردم این نواحی کاهش قدرت استبدادی و جلوگیری از ظلم مستبدین بود. اهالی از میان خود و کیلان با اطلاعی را انتخاب کردند تا به «امورات رعایای فقیر و مظلوم» رسیدگی کنند. انجمن ملی انزلی همچنین هیاتی برای تعیین انجمن ملی به لشت‌نشاء فرستاد و انجمن آنجا را نیز برقرار نمودند (حبل‌المتین یومیه، ۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۵، ش ۴۱). انجمن ملی انزلی همانند دیگر انجمن‌های ایالتی و ولایتی پایگاه مشروطه‌خواهان بود و به امور مختلف می‌پرداخت. فعالیت اصلی آن‌ها در عرصه مسائل سیاسی بود، و در پخش اندیشه مشروطیت بین توده‌های مردم به‌خصوص مردم شهرنشین می‌کوشیدند. آن‌ها «مخاطبان خود را با مفاهیم سیاسی و ماهیت نظام مشروطه و وظایف شهروندی آشنا می‌ساختند به‌علاوه، انجمن‌ها سازمان پیکار سیاسی شمرده می‌شدند. آن‌ها مردم را به میدان مبارزه می‌کشاندند» (یزدانی، ۱۳۹۶: ۷۴).

انجمن ملی و اهالی انزلی در گامی دیگر در مبارزه با استبداد و حکام مستبد این‌بار مخالفت خود را با حکومت عمید همایون بر انزلی نشان دادند. او قبلاً حکومت انزلی را برعهده داشت و میانه خوبی با مشروطه‌خواهان نداشت. وزیر اکرم، حکمران رشت، مجدد خواهان حکومت او بر انزلی بود (یوسف‌دهی، ۱۳۹۲: ۱۸۶-۱۸۲). بنابراین مردم با این عبارات مخالفت خود را ابراز می‌کردند: «ما الان ملت و دولت مشروطه هستیم، حاکم و نایب‌الحکومه ما باید عالم باشد، عادل باشد، به‌عبارت آخر آدم باشد، جوان ۲۲ ساله بی‌علم را نمی‌خواهیم» (حبل‌المتین یومیه، ۲۲ شعبان ۱۳۲۵: ش ۱۲۹). آنان به وزیر اکرم اخطار نمودند که انزلی بندری معتبر است، حاکمش باید عالم عادل باشد. اهالی انزلی بیان کردند هرطور که مجلس شورای ملی تصمیم گرفت، عمل خواهند کرد (حبل‌المتین یومیه، ۲۴ شعبان ۱۳۲۵: ش ۱۳۱).

خورشید، ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۱۲). میرزا کریم‌خان رشتی و چند نفر دیگر که برای آوردن امین‌السلطان از رشت به انزلی رفته بودند، او را با خود به رشت آوردند. سپهدار، حاکم رشت، او را در باغ سالاریه منزل داد و پس از دو روز با سپهدار راهی تهران شد (رایینو، ۱۳۶۸: ۸). چنین به نظر می‌رسد که امین‌السلطان قصد همراهی با مشروطه‌خواهان را داشت. او در رشت به انجمن ملی رفت و اختلاف بین اعضای آن را به ائتلاف تبدیل کرد و علما را که به قصد مهاجرت از شهر بیرون رفته بودند به رشت بازگردانید و از حاجی خمایی هم طی تلگرافی دلجویی نمود (روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۲۰). امین‌السلطان چند روز پس از ورود به تهران با مستشارالدوله، نماینده آذربایجان در مجلس اول، ملاقات کرد. او در صحبت با مستشارالدوله به او گفت: «من در چهارسال مسافرت وقت خود را به هدر نداده‌ام مراکز آزادیخواهی آشنایی پیدا کرده‌ام که به تهران احضار شدم. به همه آن‌ها قول شرف داده‌ام که به استحکام مبانی مشروطیت سعی نمایم» (مستشارالدوله، ۱۳۶۱: ۳۴). هدایت نیز که در کابینه امین‌السلطان وزیر علوم شد، هر چند آمدن او را از اروپا بی‌موقع می‌دانست، اما او را «بعد از مسافرت چین و ژاپن... خوب و متوجه مصالح مملکت» می‌دانست (هدایت، ۱۳۸۵: ۱۵۳-۱۵۲). آدمیت نیز از موافقت میرزا ملک‌خان در این مقطع با امین‌السلطان و با توجه به یادداشت‌های روزانه عون‌الممالک از سوگند و تعهد او در تقویت حکومت ملی و تصویب قانون اساسی نوشته است (آدمیت، ۱۳۴۰: ۲۶۸-۲۵۶). یکی از پژوهشگران معتقد است که امین‌السلطان با هوشمندی «قواعد تازه بازی سیاسی» را تمییز داد و راه‌های «تضعیف مشروطیت» را ابداع نمود اما به پایان نرساند (یزدانی، ۱۳۹۶: ۸۶، ۷۹). اتابک دولت خود را در ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ به مجلس معرفی کرد و سرانجام در ۲۱ رجب ۱۳۲۵ به قتل رسید.

گویا حکومت گیلان این‌بار برای سپهسالار، در اثر نظارت و پویایی انجمن ولایتی و سایر انجمن‌های محلی، ناگوار بود و همانند سابق منافی نداشت (بشیری، ۱۳۶۳: ج ۱/۴۳). بنابراین او با امین‌السلطان به تهران رفت. در نبود حاکم امورات به دست انجمن‌ها افتاد که خبر آمدن ظفرالسلطنه به‌جای او و زمزمه مخالفت شاه با مشروطه‌خواهان اوضاع را متشنج ساخت. مردم انزلی چون شهرهای لنگرود و لاهیجان بازارها را بستند و با تلگراف‌های متعدد به تهران ضمن مخالفت با حکومت ظفرالسلطنه بر گیلان امضای قانون انتخابات و امضای بانک ملی را خواستار شدند. مردم همچنین به قونسولگری روس رفتند و از آن‌ها درخواست نمودند که دیگر اسلحه خریداری مظفرالدین شاه

قرشی باشد، خواه غلام‌حبشی، فرق نمی‌کند» (۲۳ جمادی‌الآخر ۱۳۲۵: ش ۸۰).

کارکردهای سیاسی انجمن ملی انزلی را می‌توان در جهت استقرار و قوت‌بخشیدن هرچه بیشتر به مشروطه و نهادهای قانونی و مردمی آن دانست که با اقبال عمومی همراه شد. مطالبه قانون اساسی و نظام‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، برقراری ارتباط با دیگر انجمن‌ها، انتشار خواسته‌های خود در روزنامه‌ها، مطالبه از مجلس، ممانعت از ورود امین‌السلطان و ممانعت از خروج نوز بلژیکی، مخالفت با آمدن ظفرالسلطنه برای حکومت بر گیلان، درخواست امضای قانون انتخابات و بانک ملی، بستن درب گمرک انزلی و ممانعت از حمل اسلحه به تهران، تأسیس انجمن‌های ملی در دیگر نواحی گیلان، مخالفت با حکومت عمید همایون کم‌تجربه بر انزلی و اخطار به وزیراکرم در این مورد، برگزاری مراسم فاتحه جهت ابراز همدردی با بازماندگان شهدای آذربایجان و ارومیه، مقابله با مخالفین و برپایی جشن سال روز صدور فرمان مشروطه، همگی این اقدامات در سایه حکومت مشروطه صورت گرفت. طلوع مشروطیت در بستر جامعه سنتی ایران، روزنه‌امیدی در دل مردم ایجاد نمود. بنابراین آنان به امید آزادی و ره‌اشدن از قیود استبداد، طرفدار مشروطه شدند. مردم از مشروطیت به عنوان یک الگوی جدید از نوعی نظام سیاسی، اهداف آشکاری را انتظار داشتند تا برای آنان امنیت و آسایش به ارمغان آورد، هرچند بر مشکلات راه و مسیر ناهموار آگاه بودند. با این وجود صحنه مقاومت و مبارزه را خالی نکردند. تشکیل انجمن‌های ملی در عصر مشروطه را می‌بایست نشانه تغییر نگاه به اداره حکومت و اهمیت‌دادن به نقش و جایگاه مردم در عرصه سیاست دانست. از این‌رو، انجمن ملی انزلی نیز به عنوان یک نهاد مردمی - با حسن شهرت و قدرتی که کسب نمود- در جهت ایجاد نظم جدید و توسعه نهادهای اجتماعی شهری و تقویت حوزه عمومی، در انزلی و دیگر نواحی هم‌جوار کوشید. مجلس شورای ملی از بارزترین و مهم‌ترین نموده‌های این نظم جدید بود. بنابراین مجلس کانون توجه مشروطه‌خواهان قرار گرفته بود و امورات درنهایت می‌بایست در این نهاد و از راه قانون حل‌وفصل می‌شد. انجمن ملی انزلی در موارد متعدد به مجلس شورای ملی تلگراف نمود و ضمن مطالبه‌گری، نظر این نهاد مقدس مردمی را جویا شد.

۵. کارکردهای اقتصادی و امور عام‌المنفعه

فعالیت‌های اقتصادی عام‌المنفعه نیز مورد توجه انجمن ملی انزلی قرار گرفت. این قبیل فعالیت‌ها اثر مستقیمی بر زندگی مردم داشت.

انجمن ملی انزلی، همچون انجمن ملی رشت برای شهدای آذربایجان مجلس فاتحه در انزلی منعقد نمود. انجمن ملی رشت، به انجمن ملی تبریز تلگراف ارسال نمود که «درست اطلاعی بدهید که چگونه در تبریز دوپست‌وپنجاه نفر نفوس تلف شده» است. آنان همچنین طی تلگرافی به مجلس ملی، خواستار مجازات رحیم‌خان و پسرش شدند (حبل‌المتین یومیه، ۳ و ۵ جمادی‌الاول ۱۳۲۵: شماره‌های ۴۱ و ۴۳). رحیم‌خان، رئیس ایل شاهسون، از دشمنان سرسخت مشروطیت بود و محمدعلی‌شاه به او لقب «نصرت‌الملک» داده بود. او پسر خود و سرکردگان ایل را به راهزنی و اغتشاش و کشتن مشروطه‌خواهان تحریک می‌کرد (ملک‌زاده، ۱۳۸۳). در مراسم فاتحه اطفال مدارس، اهالی انجمن خیریه و دسته‌ای از ارامنه نیز شرکت کردند (حبل‌المتین یومیه، ۱۳۲۵: ش ۴۱)؛ حتی ارامنه در کلیسا مجلس فاتحه برای شهدای آذربایجان برگزار کردند (روزنامه انجمن تبریز، ۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۵: ش ۱۰۲).

انجمن ملی انزلی برای شهدای ارومیه نیز مراسمی در حیاط انجمن برگزار نمود. در این مراسم شاگردان مدرسه محمدیه، که تعداد آنان دوپست نفر بودند، علما، اعیان، ارامنه و یهودیان، همه حضور داشتند. نکته قابل توجه جمع‌آوری اعانه توسط شاگردان مدرسه محمدیه برای بازماندگان شهدای ارومیه بود. گزارشگر روزنامه حبل‌المتین «همت و غیرت اهالی انزلی» را تحسین می‌کند و ابراز امیدواری می‌کند که سایر نقاط مملکت هم، عمل نیک اهالی انزلی را الگو قرار دهند (حبل‌المتین یومیه، ۱۹ رجب ۱۳۲۵: ش ۱۰۳). براساس سندی که تقی‌زاده تحت عنوان «صورت دخل و خرج دوره اول مجلس» منتشر نمود، مبلغ وجه اعانه اهالی انزلی برای اهالی ارومیه سیصد تومان ذکر شده است (تقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۱۱).

همچنین انجمن ملی انزلی روز چهاردهم جمادی‌الثانی سال ۱۳۲۵، سال‌روز صدور فرمان مشروطیت، که روز پیروزی ملت ایران و از اعیاد بزرگ ملی بود، را جشن گرفتند؛ «انجمن ملی را آذین بسته از واردین پذیرایی» می‌کردند (حبل‌المتین یومیه، ۲۱ جمادی‌الآخر ۱۳۲۵: ش ۷۹). در حیاط انجمن ملی جمعیت زیادی حضور داشتند و وطن‌پرستان درباره عظمت این روز خطابه‌های مفصل قرائت کردند. آنان در خطابه‌های خود، عدم موافقت خائنین با مجلس شورای ملی و عدم پیشرفت امور و تأخیر قانون اساسی را پستی منافقین می‌دانستند و از وزارت داخله شکایت بسیار داشتند. در همان روز مجاهدین چند تن را از شهر اخراج کردند. وقایع‌نگار انزلی برای روزنامه حبل‌المتین چنین نوشت: «بلی مخالف در همه‌جا هست ولی انزلی هرکس مخالف باشد فرصت نمی‌دهند و بیرون می‌کنند، خواه مکلا باشد، خواه معمم، خواه سید

توجه به امور عام‌المنفعه نیز در تلگرافی که امضای چهل‌وهشت تن از اهالی انزلی را داشت و برای ظهیرالدوله، حاکم جدید گیلان، بود، وجود داشت. آنان بیان کردند؛ که راضی هستند با «خون جگر» خود بسازند و مداخل انزلی را صرف «نواقص انزلی» کنند (ظهیرالدوله، ۱۳۶۷: ۳۱۹). انجمن ملی؛ «همچنین وجوه اجاره‌بندی حمام شاه را که به موجب کتابچه، چهل پنجاه تومان حاکم انزلی به دولت اگر می‌داد و الان چهارصدوپانصد تومان به اجاره می‌رود، انجمن ضبط کرده، عایدی را به مصارف عمارات دولتی و مواجب خدام می‌رساند». انجمن ملی انزلی همچنین اراضی را که صاحبان نفوذ و قدرت به عناوین مختلف از مردم و دولت تصرف کرده بودند با این استدلال که «ملت شریک‌اند و حق ممانعت دارند» ضبط نمودند؛ تا منافع آن‌ها را در جهت امور عام‌المنفعه شهر هزینه نمایند (حبل‌المتین یومیه، سه‌شنبه ۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۲۰). انجمن ملی انزلی پل جلوخان کاروان سرای فیلسوفی را که خراب بود و درآمد پل به صندوق صاحب کاروان سرا می‌رفت، تعمیر کرد. انجمن عایدی این پل - که از حمل‌ونقل «امتعه مال‌التجاره» به کشتی‌ها برای خارج و داخل بود - را به مصرف خیریه و تعمیرات شهر می‌رساند. ابوزر، خبرنگار انزلی، همچنین خبر می‌دهد؛ مغازه‌هایی که صاحبان نفوذ در جلو مرداب به بهانه حریم ساخته بودند کم‌کم به تصرف انجمن خواهد درآمد (حبل‌المتین یومیه، شنبه ۲۳ جمادی‌الآخر ۱۳۲۵: ش ۸۰). با توجه به اقدامات متعدد انجمن ملی، افصح‌المتکلمین از آنان می‌خواهد؛ که چاره‌ای هم برای توپخانه انزلی کنند چراکه «جغد هم که ویرانه‌نشین است از چنین ویرانه بیزار» بود. او ضمن اشاره به اقدامات گذشته انجمن چنین درخواستی را مطرح می‌کند؛ «ای وکلای غیور انزلی شما بودید که شمس‌العماره دولتی را زینت‌افزای تعمیر کردید. شما بودید مریضخانه ساختید شما بودید که مدرسه اثر نمودید. شما بودید که کارهای عمده کردید. فکری هم برای این توپخانه ویرانه کنید» (خیرالکلام، ۲ رجب ۱۳۲۵: ش ۳). این جسارت را جنبش مردمی به انجمن ملی داده بود که در برابر استبداد دست به مبارزه و مقاومت زدند.

با اقداماتی که توسط انجمن ملی انزلی صورت گرفت و درآمدها برای توسعه بهداشت عمومی و برپایی مراکز فرهنگی و اجتماعی صرف شد، می‌توان کارکرد اقتصادی و رفاهی آن را مفید ارزیابی کرد.

انجمن ملی انزلی با توجه به درخواست‌های فراوان مردم - با تمام مشکلاتی که وجود داشت - جهت تأمین رفاه و آسایش شهروندان کوشش نمود. انزلی «سرحد معظم و دروازه شمالی» ایران بود و مردم آن «زراعت و تجارتی جز صید ماهی» نداشتند (ظهیرالدوله، ۱۳۶۷: ۳۱۹). صیادان انزلی که روزی «عیال و اطفال» خود را تنها در دریا می‌جستند، برپایه اسناد موجود، در مورد قیمت‌گذاری ماهی و وجود برخی بی‌اعتدالی‌ها از لیانازوف روسی شکایت کردند (به نقل از پناهی، ۱۳۹۸). ماهی‌گیران انزلی جهت خواسته‌های خود (رفتن لیانازوف و ظلم و ستم نکردن خان اکبر) در ۴ شوال ۱۳۲۴ اجتماع سه هزار نفری را سامان داده بودند و اهالی کرگان رود^۱ و رشت هم به یاری آنان برخاستند. خواسته‌های آنان در مجلس مورد بررسی و گفتگو قرار گرفت ولی از آنجا که دولت قادر به لغو امتیازنامه نبود، به‌وسیله حکومت رشت بر مزد صیادان افزودند (آدمیت، ۱۳۸۸: ۸۹-۸۸). تبنای سردار منصور (حکمران انزلی و ریاست گمرکات شمال) با لیانازوف به ضرر صیادان تمام شده بود و لیانازوف صید ماهی‌های حلال را هم بر امتیاز خود افزود (فخرایی، ۱۳۵۶: ۴۷؛ ظهیرالدوله، ۱۳۶۷: ۳۱۹-۳۱۸). انجمن ملی رشت و انزلی چندین بار با لیانازوف به امید تغییر اوضاع، مذاکره کردند. بنابراین قرار شد؛ که لیانازوف به مردم صید رودخانه‌های مرداب را اجاره دهد. همچنین مقرر شد که انجمن ملی نیز برای این مورد سهام قرار دهد و هرکس می‌توانست، شرکت کند و به‌عبارتی سهام‌دار شود؛ «منافع این اجاره و استیجاره تقریباً چهل هزار تومان خواهد بود، یعنی ۲۲ هزار تومان انجمن از (لیانازوف) اجاره می‌کند و در شصت هزار تومان بل متجاوز به اجاره می‌دهد و سهام می‌فروشد. منافع او را برای امورات مهمه انزلی، از مدارس و مکاتب و غیره و غیره به صلاح و صواب دید عقلا و وکلای انجمن به مصرف می‌رسانند» (حبل‌المتین یومیه، ۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۱۶).

رسوم تخم‌مرغ نیز که حکام با زور و بی‌حساب در صادرات به خارج از هر صندوقی دوازده قران می‌گرفتند و از این راه سالانه چهارهزار تومان مداخل داشتند، تجار با میل و رغبت در اختیار انجمن ملی قرار دادند تا جهت امور عام‌المنفعه هزینه شود. اقدام تجار بیانگر نقش فعال و نفوذ و اهمیت آنان به‌خصوص در مجلس اول بود.^۲ این وجوه جهت «اسباب اطفائی و تنظیفات» و تأسیس مدرسه و مریضخانه و حصار شمس‌العماره هزینه می‌شد (حبل‌المتین یومیه، ۹ و ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: شماره‌های ۲۱ و ۳۴).

۱. براساس تذکره سعیدیه که در حدود سال ۱۲۸۷ق توسط سعید کاظم بیگ نوشته شده است، کرگانرود یکی از دوازده محال طالش بود (به نقل از احمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۳).

۲. برای اطلاعات بیشتر ر. ک (تربابی فارسانی، ۱۳۸۴: ۱۵۴-۱۴۹).

داده بودند ضبط انجمن ملی انزلی شد (حبل‌المتین یومیه، ۲۱ جمادی‌الآخر ۱۳۲۵: ش ۷۹).

ارفع‌السلطنه همچنان در طوالتش مشغول قتل و غارت بود، بنابراین: «مجاهدین انزلی مراتب را با تلگراف توسط تقی‌زاده و وکیل‌التجار به شورای ملی خبر دادند» (حبل‌المتین یومیه، ۲۷ جمادی‌الآخر ۱۳۲۵: ش ۸۴). همچنین فرقهٔ مجاهدین رشت، مظالم ارفع‌السلطنه در کرگان‌رود را که منجر به کشته‌شدن چهل نفر زن و مرد و پیر و جوان شده بود، به انجمن ملی تبریز تلگراف زدند. ظلم و ستم این خاندان بر اهالی خاتمه نیافت و بعد از به توپ بستن مجلس توسط محمدعلی‌شاه آنان با برخورداری از حمایت قوای حکومتی و قزاق‌های روس، بی‌رحمانه‌تر عمل کردند (یوسفدهی، ۱۳۹۲: ۲۴). ظلم و ستم عمیدالسلطنه و ارفع‌السلطنه، این پدر و پسر، تنها زمانی فروکش کرد که اردوکشی آنان با سردار افخم (حاکم گیلان) علیه مردم منطقه طوالتش با شکست مواجه شد. مردم طوالتش با نیروی اراده و امید به رهایی از ظلم و جور در برابر نیروهای استبداد ایستادگی کردند. آفاری در این خصوص چنین می‌نویسد که نیروهای استبداد: «با یکی از نخستین نمونه‌های جنگ چریکی در قرن بیستم مواجه شده بودند و اصلاً آمادگی چنین جنگی را نداشتند... نبرد طوالتش که در نهضت دهقانی ریشه داشت و با انجمن عباسی، انجمن انزلی و انجمن‌های مجاهدین در پیوند بود، و نیز شیوه دفاعی و نظامی منحصربه‌فردی را در جنگل‌های انبوه منطقه خزر ارائه داد، پیش‌درآمد جنبشی شد که یک دهه بعد به نهضت جنگل شهرت یافت» (آفاری، ۱۳۸۵: ۲۳۰). به تعبیر یکی از پژوهشگران این شکست «زخمی بزرگ بر پیکر خرده‌مستبد گیلان بود» (یزدانی، ۱۳۹۷: ۱۶۶). همان‌گونه که بارها انجمن ملی انزلی جهت پشتیبانی از مردم طوالتش پای در میدان عمل گذاشته بود این‌بار هم در کنار دیگر انجمن‌ها میدان را خالی نکرد. انجمن ملی انزلی در انتشار آرمان مشروطه‌خواهی با مردم ارتباط برقرار می‌کرد و در برابر محدودیت‌هایی که از جانب مستبدین بر سر راه آنان ایجاد می‌شد، به مقابله می‌پرداخت.

برنج و ابریشم دو محصول عمده گیلان بود. بنابراین سهم زیادی از ارزش اقتصادی بخش کشاورزی گیلان به این دو محصول اختصاص داشت؛ و به همان نسبت در زندگی و معیشت مردم تأثیرگذار بودند به‌خصوص اگر پای محترکین و سوءاستفاده آنان به میان می‌آمد می‌توانست بر زندگی مردم تأثیر جدی داشته باشد. مردم که از گرانی برنج در تنگنا بودند، به انجمن شکایت کردند، و از انجمن درخواست نمودند؛ تا سه ماه برنج به خارج

۶. کارکردهای اجتماعی انجمن ملی انزلی

انجمن ملی انزلی در جهت رفع ظلم و ستم حکام و سایر فرادستان بر مردم کوشید. مردم طوالتش از رفتار ناپسند ملاک بزرگ منطقه به انجمن ملی انزلی شکایت کردند (آفاری، ۱۳۸۵: ۲۲۷) ارفع‌السلطنه در طوالتش بر ضد مشروطه عمل می‌کرد؛ و رعایا از ظلم چهل ساله آن خانواده به‌ستوه آمده بودند (حبل‌المتین یومیه، ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۲۱). او که بیش از چهارصد نفر سوار مسلح داشت بسیاری از مردم و حتی زنان و دختران آنان را به زندان انداخت و حکم نمود؛ «هرکسی حرف انجمن و مشروطه به زبان بیاورد دهانش را خواهم دوخت» (حبل‌المتین یومیه، ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۲۵). او حتی بر خیاط کرگانرودی هم رحم نکرد و آن‌قدر بیچاره را شکنجه کرد تا جان سپرد و سپس او را به چاه انداخت. وکیلان انجمن ملی انزلی و جمعی از مجاهدین در ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ برای رسیدگی به عرایض مردم مظلوم طوالتش عازم کرگان‌رود شدند. مردم از آنان استقبال کردند و امیدوار بودند که با ظهور مشروطیت امورات طوالتش هم اصلاح شود (حبل‌المتین یومیه، ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۳۷). وکیلان انجمن ملی انزلی - همان‌گونه که در فوق اشاره شد - جهت سامان‌دادن امور اهالی آن خطه دو انجمن یکی در کرگان‌رود و دیگری در آلالان ترتیب دادند؛ هرچند به انجمن ملی انزلی اطلاع داده شد که ارفع‌السلطنه طغیان کرده و انجمن آنجا را به‌هم زده است. انجمن انزلی در صدد تحقیق و رسیدگی برآمد (حبل‌المتین یومیه، ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۵: ش ۵۳). ابوذر سپس به روزنامه گزارش می‌دهد؛ «تعدیات ارفع‌السلطنه به تصدیق انجمن انزلی رسیده» است (حبل‌المتین یومیه، ۲۵ جمادی‌الاول ۱۳۲۵: ش ۶۱).

در آتش‌سوزی که در کرگان‌رود رخ داد دو نفر از اعضای انجمن ملی انزلی جهت رسیدگی به آنجا رفتند و تلاش نمودند تا با «نصایح مشفقانه» مانع از اقدامات دیگر مردم شوند. به‌نظر می‌رسد خود ارفع‌السلطنه باعث آتش‌سوزی شده بود. او این کار را برای این کرد؛ «شکایاتی که به دارالخلافه می‌کند شاید در آن میانه یکی کارگر شود». همچنین اظهارات نمایندگان انجمن ملی انزلی با شکایات ارفع‌السلطنه به دارالخلافه منافات داشت. ارفع‌السلطنه ادعای خسارات بالایی داشت. برای رسیدگی بیشتر به این واقعه سه نفر از رشت به کرگان‌رود رفتند؛ اما چنین به‌نظر می‌رسد که آنان تعارف گرفتند، چنان‌که اسب تعارفی که به آنان

اعتنا نبود این بود که شخص رعیت مالک مایملک خود نبود که سهل است مالک نفس و ناموس خود هم نبود هرگاه رعیت می‌خواست صبیبه خود را با طیب‌نفس به عقد دیگری درآورد امکان نداشت مگر با اجازه ارباب ملک و اجازه ارباب هم موقوف بود به گرفتن یک وجه... که باید زارع بیچاره با دو دست تقدیم نموده و اخذ اجازه نماید و این بدعت‌ها بعد از تشکیل انجمن ملی موقوف شد (خیرالکلام، ۱۶ شعبان ۱۳۲۵: ش ۹). افصح‌المتکلمین نوشت که انجمن ملی انزلی بدعت‌ها را برداشتند و قانون‌های صحیح گذاشتند و ادامه می‌دهد «ای کاش یک همت دیگری می‌کردند کلیه قوانین سخیفه کثیفه استبدادیه را از میان محو می‌کردند» (روزنامه ساحل نجات، ۷ شعبان ۱۳۲۵: ش ۱). هرچند اقدامات مهمی توسط انجمن ملی انزلی صورت گرفت، اما ظلم و ستم با وجود حکومت مشروطه هنوز وجود داشت. مستبدین این‌بار از راه مشروطیت، دشمنی خود را با مشروطه‌خواهان انجام می‌دادند؛ اقدام جهت تشکیل انجمن خیریه انزلی توسط مستبدین - که اهالی انزلی از آن جلوگیری کردند - تلاشی در این خصوص بود. تلاش انجمن خیریه دیلمان با حکومت جهت برچیدن انجمن ملی دیلمان نیز به خشونت کشید (روزنامه ساحل نجات، ۷ شعبان ۱۳۲۵: ش ۱).

امنیت اجتماعی از نیازهای مهم و اساسی اجتماع بشری است؛ بنابراین انجمن ملی انزلی به مسائل قضایی و حقوقی نیز می‌پرداخت. در پی آتش‌سوزی کاروان معین انزلی گمان به داروغه رفت و قرار شد او را در انجمن ملی انزلی استنطاق نمایند (حبل‌المتین یومیه، ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۳۵). داروغه جدید انزلی نیز با شخصی به‌نام لطف‌ا... خان آوازه‌خوان متهم به لغزش‌های اخلاقی شدند، بنابراین آنان را دستگیر و به انجمن ملی بردند. سه نفر از فدائیان نیز که متهم به صرف شراب بودند در یکی از خیابان‌ها آنان را گرفتار و به انجمن آوردند. انجمن آنان را حبس و سپس استنطاق نمودند، گویا آنان را تنبیه و از فرقه بیرون کردند (حبل‌المتین یومیه، ۲۲ جمادى‌الاول ۱۳۲۵: ش ۵۸). در پی امر به معروف یک سید مسلمان به تلگرافچی مسلمان انزلی که به دکان شخص ارمنی جهت اصلاح و تراشیدن ریش خود رفته بود، تلگرافچی که از این توصیه ناراحت شده بود دست از کار کشید و کار تلگراف‌خانه معطل ماند و «صاحبان تلگراف در انجمن ملی متظلم شدند» (روزنامه ساحل نجات، ۷ شعبان ۱۳۲۵: ش ۲)، بنابراین به او گفتند: «خوبست عرایض خود را به انجمن بگویی تا استنطاق و محاکمه شود و به مقصر مجازات داده شود» (حبل‌المتین یومیه، ۱۹ رجب ۱۳۲۵: ش ۱۰۳). حتی در اختلافی

صادر نشود، شاید مقداری ارزان شود و محتکرین برنج‌های انبارشده را به بازار فروش بیاورند. بنابراین انجمن؛ «نظر به مصالح عامه اعلانی شایع نموده است تا پانزده روز اشخاصی که برنج خریداری نموده و حاضر دارند حمل به بادکوبه و خارجه کنند، بعد قدغن است تا اینکه حاصل تازه درآید...» (حبل‌المتین یومیه، ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۳۵). انجمن چنین کرد و تنها زمانی اجازه صادرات مجدد داده شد که در اثر بارش کافی، زراعت مشروب و محصول مرغوب تولید و به بازار فروش رسید (حبل‌المتین یومیه، ۵ رجب ۱۳۲۵: ش ۹۱). جمعی از رعایای حسن‌کیاده نیز که از ظلم و ستم مباشر آن محل در خصوص پیله ابریشم و موارد دیگر به‌ستوه آمده بودند جهت تظلم به انجمن ملی انزلی آمدند. آنان حتی در تلگراف‌خانه انزلی متحصن شدند. آنان به عملکرد مأمورانی که از طرف حکومت رشت به حسن‌کیاده رفته بودند، اعتراض داشتند. آنان بیان می‌کردند؛ که مأموران اعزامی از رشت نه‌تنها به درخواست آنان رسیدگی نکردند بلکه به آنان و خانواده ایشان نیز، تعدی کرده‌اند. آنان از انجمن ملی انزلی کمک و «رفع تعدیات خودشان» را می‌خواستند (حبل‌المتین یومیه، ۱۳ جمادى‌الآخر ۱۳۲۵: ش ۷۶). این عدم همراهی از جانب رشت با رعایایی بود که در حوزه تولید ابریشم فعال بودند. وکیلان انجمن ملی رشت - که از ملاکین بودند - به فریادهای رعیت توجهی نکردند (صبح صادق، ۲۰ جمادى‌الاول ۱۳۲۵: ش ۷۱).

مجاهدین انزلی روابط تنگاتنگی با انجمن ملی انزلی داشتند. آنان در اخطاری خواهان قدغن نمودن صادرات پوست بره به خارج بودند. ممنوع کردن صادرات پوست بره باعث می‌شد؛ تناسل گوسفندان فزونی یابد و از گوشت، پشم، روغن، و... مردم و به‌خصوص فقرا استفاده کنند. آنان از زمان تحریر اخطار خود تا یک‌ماه به اداره گمرک مهلت دادند. همچنین آنان به وزارت مالیه اعلام کردند که اگر تا یک‌ماه دیگر درخواست آنان اجرا نشود؛ «در کمال اقتدار جدو جهد می‌کنیم و نخواهیم گذاشت یک عدد پوست بره از بندر انزلی حمل به خارجه شود» (حبل‌المتین یومیه، ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۳۳).

افصح‌المتکلمین در دو روزنامه خیرالکلام و ساحل نجات که منتشر می‌کرد، از اقدامات متعدد انجمن ملی انزلی سخن به میان آورده است. او که انجمن انزلی را «محکم‌تر از سایر انجمن‌ها» می‌دانست (خیرالکلام، ۲۲ رجب ۱۳۲۵: ش ۶)، معتقد بود؛ که انجمن ملی انزلی «کارهای عمده» انجام داده است و «از حسن اهتمامات و کلای انجمن ملی به کلی رفع بدعت‌های سابقه شده بود یکی از بدعت‌های سابقه که جزو سایر بدعت‌ها قابل هیچ

در ایالات به اجرا گذاشته شد. ونسا مارتین^۱، هدف اصلی تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی را، جایگزین کردن این انجمن‌ها با نظام دیوان‌سالاری کهن از جهات مختلف ذکر می‌کند که آنان می‌بایستی با حکام ایالتی همکاری می‌کردند (مارتین، ۱۳۹۸: ۲۵۰). براساس این قانون گیلان جزء ولایات محسوب می‌شد که در پی آن نزاع‌های ایالات و ولایات در گیلان به صورت قلمی و عملی شروع شد. طبق قانون جدید، تنها رشت می‌توانست انجمن داشته باشد. افصح المتکلمین می‌نویسد: «انزلی از ابتدا صاحب انجمن بوده‌اند و انجمن انزلی محکم‌تر از سایر انجمن‌هاست» (خیرالکلام، ۲۲ رجب ۱۳۲۵: ش ۶). خبر پایان انجمن‌ها- غیر از رشت- در روزنامه‌ها نیز انعکاس یافت و هریک با بیانی از پایان انجمن‌ها نوشتند (روزنامه انجمن ولایتی گیلان، ۲۲ شعبان ۱۳۲۵: ش ۴؛ روزنامه گیلان، ۱۸ ذی‌الحجه ۱۳۲۵: ش ۱).

در دهه اول ماه شعبان ۱۳۲۵ انتخابات انجمن بلدی انزلی جهت انتخاب شانزده وکیل به اتمام رسید و وقایع‌نگار انزلی نوشت که انجمن ملی انزلی برداشته خواهد شد (حبل‌المتین یومیه، چهارشنبه ۹ شعبان ۱۳۲۵: ش ۱۱۹). براساس گزارش وقایع‌نگار انزلی به نظر می‌رسد اعضای انجمن بلدی بیشتر از جوانان بودند و تجربه، ثبات و پایداری اعضای انجمن ملی را نداشتند آنان خیلی زود از کارشکنی مستبدین خسته شدند و انجمن بلدی انزلی موقت به حالت تعطیل درآمد (حبل‌المتین یومیه، ۱۹ و ۲۵ شوال ۱۳۲۵: شماره‌های ۱۷۱ و ۱۷۶). بیشتر آنان «مرید بازی» را شعار خود کرده و نه تنها به نظام‌نامه بلدی اعتنا نداشتند بلکه گاه مطیع افراد بانفوذ بودند (همان، ۶ ذی‌الحجه ۱۳۲۵: ش ۲۰۳).

هرچند در گزارش روزنامه‌ها به خصوص روزنامه گیلان (در ماه ذی‌الحجه) صحبت از پایان انجمن‌های ملی به میان آمده است اما به نظر می‌رسد؛ که مقاومت‌هایی از سوی انجمن‌ها صورت گرفته است. به نظر می‌رسد انجمن ملی انزلی و لاهیجان با قدرت چانه‌زنی که داشتند توانستند در محل به کار خود ادامه دهند (عظیمی، ۱۳۹۶: ۳۶۵). محمدعلی شاه که از همان ابتدا می‌خواست همانند اسلافش از «اقتدار خودکامه غیرمسئول» برخوردار باشد (براون، ۱۳۸۰: ۱۳۹)، در ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶/ دوم تیر ۱۲۸۷ به کمک لیاخوف مجلس را ویران نمود. در ۸ جمادی‌الثانی ۱۳۲۶/ ۱۸ تیر ۱۲۸۷ آقابالاخان (سردار افخم) برای حکومت بر گیلان جانشین ظهیرالدوله شد (رابینو، ۱۳۶۸: ۴۲). او تنگناهای زیادی را برای

که بین عمید همایون (حکمران انزلی) و لیانازوف رخ داد، عمید همایون طی مکتوبی از علمای انزلی درخواست نمود که به انجمن انزلی اطلاع دهند؛ که دعاوی لیانازوف بی‌مورد است (روزنامه مجلس، ۱۹ صفر ۱۳۲۵: ش ۶۵). امام جمعه انزلی به انجمن رفت و از وکلای انجمن ملی انزلی درخواست همراهی کرد. اعضای انجمن هم گفتند که در این خصوص درخواستی به انجمن نرسیده است تا انجمن رسیدگی و تحقیق کند (انجمن تبریز، ۲۰ صفر ۱۳۲۵: ش ۶۲). از آنجاکه در جنبش مشروطه و در تأسیس انجمن‌ها، روحانیون نقش فعالی داشتند بنابراین رسیدگی به مسائل قضایی و حقوقی امری عادی تلقی می‌گردید (خارابی، ۱۳۸۵: ۹۸)؛ انجمن‌ها که مراکز انقلاب شده بودند نه تنها مجلس شورای ملی را بسیار تقویت می‌کردند بلکه در همه امور مداخله می‌نمودند؛ آن‌ها به شکایات از دست مستبدین، خوانین، اعیان و ملاک رسیدگی، و فقرا را حمایت می‌کردند (بشیری، ۱۳۶۷: ۶۲/۱؛ تقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۶۸).

کارکردهای اجتماعی انجمن ملی انزلی نشان‌دهنده قدرت اجرایی این انجمن در برقراری امنیت اجتماعی است. لزوم اجرای مواردی که توسط انجمن ملی انزلی انجام شد، در جامعه احساس می‌شد. این انجمن نیروی اجرایی حامی مردم بود و در جهت حمایت از منافع عمومی اقدام نمود. انجمن ملی انزلی کوشید؛ که نه تنها جان و مال و حیثیت اعضای جامعه به خطر نیفتد؛ بلکه امکان ارتقای آن نیز فراهم شود. این انجمن به‌عنوان بستری تسهیل‌گر، جهت امنیت اجتماعی شهروندان عمل نمود. به نظر می‌رسد رعایای حسن کیاده را حسن شهرت انجمن ملی انزلی به آنجا کشانید. آنان که از انجمن ملی رشت ناامید شده بودند متوجه انجمن ملی انزلی شدند. انجمن ملی انزلی بدعت‌های ناصواب را لغو کرد و بر عزت و غرور خانواده‌ها افزود. این انجمن در جهت برقراری امنیت اجتماعی در مسائل قضایی و حقوقی نیز ورود نمود و با افراد خاطی و مقصر برخورد کرد. برخی اقدامات اجرایی انجمن ملی انزلی را می‌توان در انجمن‌هایی که بعد در این شهر تشکیل شد، دنبال نمود. آنچه باعث اجرا و تداوم کارکردهای اجتماعی انجمن ملی انزلی در زمان‌های بعد گردید، از یک‌سو توجه به دستاوردهای مشروطه و لزوم اجرای خواسته‌های مردم و از سوی دیگر پیگیری و انتظارات مردم از نهادهای مردمی بود.

مجلس در ربیع‌الثانی ۱۳۲۵/ خرداد ۱۲۸۶ قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی را تصویب نمود و این قانون در تابستان همان سال

مردم، تعمیر پل جلوی کاروان سرای فیلسوفی و هزینه عایدی آن برای امور عمومی، تلگراف به مجلس شورای ملی و انجمن ملی تبریز در رسانیدن فریادهای مردم طولش از ستم سردار امجد و ارفع‌السلطنه، دفاع از مردم در برابر محتکرین برنج و تعادل‌بخشیدن به قیمت برنج، همراهی در جهت تخفیف آلام کشاورزان، ممانعت از صادرات پوست بره به خارج، پایان دادن به رسم ناپسند اجازه ارباب جهت ازدواج دختران رعایا که با پرداخت وجوهی همراه بود و پرداختن به امور قضایی و حقوقی و دفاع از فقرا در برابر فرادستان، از مواردی بودند که انجمن ملی انزلی در زمانی اندک، به آن‌ها مبادرت ورزید.

منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۹۴). مردم در سیاست ایران. ترجمه به‌رنگ رجبی. تهران: نشر چشمه.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۰). فکر آزادی و مقدمه نهضت آزادی. تهران: انتشارات سخن.
- _____ (۱۳۸۸). فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران. تهران: نشر گستره.
- آقاری، ژانت (۱۳۸۵). انقلاب مشروطه ایران. ترجمه رضا رضایی. چاپ سوم. تهران: نشر بیستون.
- آقازاده، جعفر (۱۳۹۶). نزاع آزادیخواهی و استبداد در ایران: تحلیلی بر مبارزات مشروطه خواهان خوی با خوانین ماکو در انقلاب مشروطه. مطالعات تاریخ اسلام. سال نهم. شماره ۳۲. صص ۳۱-۱۱.
- ایوانف، م.س (۱۳۵۴). انقلاب مشروطیت ایران. ترجمه کاظم انصاری. تهران: جیبی.
- براون، ادوارد (۱۳۸۰). انقلاب مشروطیت ایران. ترجمه مهری قزوینی. چاپ دوم. تهران: نشر کویر.
- پناهی، عباس (۱۳۹۸). اسناد گیلان در دوره مشروطیت. چاپ اول. تهران: انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸۴). تجار، مشروطیت و دولت مدرن. چاپ اول. تهران: نشر تاریخ ایران.
- تقی زاده، سید حسن (۱۳۳۸). سه خطابه درباره مشروطیت ایران. تهران: انتشارات باشگاه مهرگان.
- _____ (۱۳۷۹). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. به کوشش عزیزالله علیزاده. چاپ اول. تهران: انتشارات فردوس.
- حقدار، علی‌اصغر (۱۳۸۳). مجلس اول و نهادهای مشروطیت. چاپ اول. تهران: نشر مهرنامک.
- خرابی، فاروق (۱۳۸۵). انجمن‌های عصر مشروطه. تهران: انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- _____ (۱۳۷۹). نقش انجمن‌ها در انقلاب مشروطیت. نامه علوم اجتماعی. شماره ۱۶. صص ۹۰-۶۳.

مشروطه‌خواهان ایجاد نمود تا آنجا که رابینو نوشت: مردم گیلان دیگر اسم مشروطه را بر زبان نمی‌برند. سردار افخم تنها در انزلی هزاروششصد تومان از اهالی انجمن‌ها گرفت (رابینو، ۱۳۶۸: ۴۳). بعد از واقعه باغ مدیریه و کشته شدن سردار افخم (۱۹ بهمن ۱۲۸۷/۱۶ محرم ۱۳۲۷) است که مجدد خبر از تأسیس انجمن ملی انزلی به میان آمد: «الساعة بازار انزلی تعطیل و به موجب دستورالعمل سپهدار مشغول تأسیس انجمن ملی می‌باشند» (انجمن تبریز، ۲۸ محرم ۱۳۲۸: ش ۳۹).

۷. نتیجه

جنبش مشروطه، جامعه ایران را جامعه‌ای مطالبه‌گر و نواندیش ساخت. در عصر مشروطه، پویایی و حضور پررنگ انجمن‌ها به‌خصوص انجمن ملی انزلی، جنبش مشروطه‌خواهی را شور و شوق می‌بخشید. انجمن ملی در بندر کوچکی تأسیس شد که دریچه‌های آشنایی با غرب را بر ایرانیان گشود. نه تنها خروج و ورود شاه و نمایندگان ایران و سایر مردم و همچنین آمدن و رفتن نمایندگان و سیاحان خارجی از این بندر صورت می‌گرفت بلکه کتاب‌ها و جراید و مجلات و افکار نو نیز از این طریق به ایران می‌رسید. با چنین زمینه‌ای انجمن ملی انزلی که پشتوانه‌ی مردمی قوی آن را یاری می‌نمود، تأسیس شد. این انجمن با همه کارشکنی‌هایی که توسط عمال نظام پیشین و سایر منفعت‌طلبان صورت گرفت، به اقدامات متعددی توفیق یافتند. مردم که از مظالم نظام خودکامه به‌ستوه آمده بودند با رخداد بزرگ مشروطه، که گامی به‌سوی مردم‌سالاری و حاکمیت ملی بود، روزگاران بهتری را انتظار می‌کشیدند؛ بنابراین با جان و مال خود در این راه کوشیدند. مردم انزلی با بستن مغازه‌های خود و حتی مردم حوالی انزلی دست از کار کشیدند و به انزلی آمدند تا با تلگراف اتمام قانون اساسی و نظام‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را مطالبه کنند. ممانعت از ورود امین‌السلطان به انزلی و جلوگیری از خروج نوز بلژیکی و تنها اقدام با مجوز ورود و خروج آن دو از مجلس، مخالفت با آمدن ظفرالسلطنه مستبد به حکومت گیلان، ضبط و توقیف اسلحه و تجهیزیات خریداری شده دولت، برقرار کردن انجمن‌های ملی، مخالفت با حکومت عمید همایون جوان و کم‌تجربه بر انزلی، برگزاری مراسم ختم برای شهدای آذربایجان و ارومیه، جشن و سرور سال روز صدور فرمان مشروطیت، دفاع از مردم در برابر تسانی عوامل حکومتی با لیانازوف، هزینه حق‌الحکومه تخم‌مرغ و اجاره‌بندی حمام شاه در امور عام‌المنفعه، ضبط زمین‌ها و مغازه‌های جلوی مرداب از صاحبان نفوذ به‌نفع

روزنامه انجمن ملی مقدس اصفهان، ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۵: ش ۱۸: ۶
ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۲۰.
روزنامه ایران سلطانی، ۱۳ صفر ۱۳۲۵: ش ۱.
روزنامه تمدن، ۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۱۶.
روزنامه جبل‌المتین، ۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۱۶: ۳ جمادى‌الاول ۱۳۲۵: ش ۴۱
۲۲ شعبان ۱۳۲۵: ش ۱۲۹: ۲۴ شعبان ۱۳۲۵: ش ۱۳۱: ۲۲ شعبان
۱۳۲۵: ش ۱۲۹: ۳ جمادى‌الاول ۱۳۲۵: ش ۴۱: ۵ جمادى‌الاول ۱۳۲۵
ش: ۴۳: ۲۳ جمادى‌الآخر ۱۳۲۵: ش ۸۰: ۱۹ رجب ۱۳۲۵: ش ۱۰۳: ۲۱
جمادى‌الآخر ۱۳۲۵: ش ۷۹: ۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۲۰: ۹ ربیع‌الثانی
۱۳۲۵: ش ۲۱: ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۳۴: ۲۷ جمادى‌الآخر ۱۳۲۵:
ش ۸۴: ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۲۵: ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۳۷: ۱۷
جمادى‌الاول ۱۳۲۵: ش ۵۳: ۲۵ جمادى‌الاول ۱۳۲۵: ش ۶۱: ۲۱
جمادى‌الآخر ۱۳۲۵: ش ۷۹: ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۳۵: ۲۳ ربیع‌الثانی
۱۳۲۵: ش ۳۳: ۵ رجب ۱۳۲۵: ش ۹۱: ۱۳ جمادى‌الآخر ۱۳۲۵: ش ۷۶: ۲۶
ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۳۵: ۲۲ جمادى‌الاول ۱۳۲۵: ش ۵۸: ۱۹ رجب ۱۳۲۵:
ش ۱۰۳: ۹ شعبان ۱۳۲۵: ش ۱۱۹: ۱۹ شوال ۱۳۲۵: ش ۱۷۱: ۲۵ شوال
۱۳۲۵: ش ۱۷۶: ۶ ذی‌الحجه ۱۳۲۵: ش ۲۰۳: ۱ محرم ۱۳۲۶: ش ۲۲۲.
روزنامه خیرالکلام، ۲ رجب ۱۳۲۵: ش ۳: ۲۲ رجب ۱۳۲۵: ش ۶: ۱۶ شعبان
۱۳۲۵: ش ۹.

روزنامه ساحل نجات، ۷ شعبان ۱۳۲۵: ش ۱.
روزنامه خورشید، ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۱۲.
روزنامه صبح صادق، ۲۰ جمادى‌الاول ۱۳۲۵: ش ۷۱.
روزنامه مجلس، ۱۵ رجب ۱۳۲۵: ش ۱۶۴: رجب ۱۳۲۵: ۱۶۵: ۱۹ صفر ۱۳۲۵:
ش ۶۵
روزنامه انجمن ولایتی گیلان، ۲۲ شعبان ۱۳۲۵: ش ۴.
روزنامه گیلان، ۱۸ ذی‌الحجه ۱۳۲۵: ش ۱.

دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱). حیات یحیی. جلد دوم. چاپ پنجم. تهران: ناشر
عطار.
دو رساله و دو گزارش درباره تالش شمالی (۱۳۹۰). به کوشش حسین احمدی.
تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
رایینو، ه.ل (۱۳۶۸). مشروطه گیلان. به کوشش محمد روشن. چاپ اول.
رشت: انتشارات طاعتی.
شاکری، خسرو (۱۳۸۴). پیشینه‌های اقتصادی-اجتماعی جنبش مشروطه و
انکشاف سوسیال دموکراسی. چاپ اول. تهران: نشر اختران.
ظهیرالدوله، علی‌خان (۱۳۶۷). خاطرات و اسناد ظهیرالدوله. به کوشش ایرج
افشار. تهران: زرین.
عظیمی، ناصر (۱۳۹۶). تاریخ گیلان (از ورود شاه عباس اول به گیلان تا
پایان انقلاب جنگل). چاپ نخست. رشت: فرهنگ ایلیا.
فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۶). گیلان در جنبش مشروطیت. چاپ سوم. تهران:
شرکت سهامی کتاب‌های جیبی با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین.
کسروی، احمد (۱۳۸۳). تاریخ مشروطه ایران. چاپ بیست‌وسوم. تهران:
انتشارات امیرکبیر.
کتاب آبی؛ گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب
مشروطه ایران (۱۳۶۳). جلد ۱. به کوشش احمد بشیری. چاپ دوم.
تهران: نشر نو.
کتاب نارنجی؛ گزارش‌های سیاسی وزارت امور خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب
مشروطه ایران (۱۳۶۷). جلد ۱. ترجمه حسین قاسمیان. به کوشش و
ویراستاری احمد بشیری. چاپ دوم. تهران: نشر نور.
مارتین، ونسا (۱۳۹۸). ایران بین ناسیونالیسم اسلامی و سکولاریسم. ترجمه
محمدابراهیم فتاحی ولی لایبی. تهران: نشر نی.
مجدالاسلام کرمانی، احمد (۲۵۳۶). تاریخ انحطاط مجلس. چاپ دوم.
اصفهان: نشر دانشگاه اصفهان.
مستشارالدوله صادق (۱۳۶۱). خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق. به
کوشش ایرج افشار. چاپ اول. تهران: انتشارات فردوسی.
ملک‌زاده، مهدی (۱۳۸۳). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. جلد دوم. چاپ اول.
تهران: انتشارات سخن.
همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۱). تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و
سیاست در ایران. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر نی.
هدایت، مهدی قلی‌خان (۱۳۵۸). خاطرات و خطرات. تهران: زوار.
یزدانی، سهراب (۱۳۹۲). اجتماعيون عاميون. چاپ دوم. تهران: نشر نی.
_____ (۱۳۹۷). مجاهدان مشروطه. چاپ سوم. تهران: نشر نی.
_____ (۱۳۹۶). کودتاهای ایران. تهران: نشر ماهی.
یوسفدهی، هومن (۱۳۹۲). رجال مشروطه گیلان. چاپ اول. رشت: فرهنگ
ایلیا.
_____ (۱۳۸۷). انجمن‌های گیلان در عصر مشروطه. رشت: فرهنگ ایلیا.

روزنامه‌ها

روزنامه انجمن تبریز، ۲۸ محرم ۱۳۲۵: ش ۳۹: ۲۰ صفر ۱۳۲۵: ش ۶۲: ۲۲
صفر ۱۳۲۵: ش ۶۳: ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ش ۸۶: ۸ جمادى‌الاول
۱۳۲۵: ش ۱۰۲.